

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

سلسلہ مجلسات برای امامت

فصل چہارم: سر منزل جہانناز

مصطفی امینی خواہ / سال ۱۴۰۲



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى

سَيِّدِنَا وَ نَبِينَا أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ (ص)

وَ آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ وَ لَعَنَهُ اللَّهُ عَلَى الْقَوْمِ

الظَّالِمِينَ، مِنْ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ.

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

وَ احْلُلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي يَفْقَهُوا قَوْلِي!

نکته‌ای که شب گذشته محضر عزیزان مرور

کردیم این بود که اگر کسی شیعه کسی باشد یا

کسی امام کسی باشد، لزوماً به این نیست که

اعلام کند من فلانی را انتخاب کرده‌ام، به شعار و

حرف و گفتار نیست. این که انسان آن شخص و آن



مرامی که تراز است برای او، آن سبکی که برایش  
الگو است، سبکی که برایش مطلوب است و یا به  
تعبیر دقیق قرآنی، خیر است<sup>۲</sup> و خیر را در آن  
می‌بیند، آن را خوب می‌بیند و می‌پسندد، بر  
اساس آن سبک و مدلی که ما می‌پسندیم، افرادی  
که در آن سبک برجسته هستند، چه بخواهیم و  
چه نخواهیم، چه بدانیم و چه ندانیم، این‌ها  
می‌شوند امام ما.

به عبارت ساده‌تر هرکسی در زندگی یک هدف  
و یک جهت و یک مسیری دارد. امام کسی است که  
ما را در این مسیر می‌برد و امام کسی است که بر  
اساس هدف ما تعیین می‌شود. نمی‌شود من  
ادعا کنم امام من علی است، ولی سرتاسر زندگی  
من حکایت از ساختاری کند که این ساختار مربوط

---

۲. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ هُمْ خَيْرُ الْبَرِيَّةِ (سوره بینه، آیه ۷).



به زندگی معاویه و زندگی دیگران است. نمونه‌هایش را دیشب خدمت عزیزان عرض کردم که توقع چالش زیاد هم داشتیم، ولی ظاهراً اهل این مجلس خیلی بیش از چیزی که ما فکر می‌کنیم باصفا هستند و هیچ چالشی ما در این جهت نداشتیم. ولی به هر حال در جامعه ما این چیزها چالش جدی است که ان‌شاءالله بیشتر عرض می‌کنم. نکات دیگری هم هست که ان‌شاءالله شب‌های بعد با همدیگر مرور خواهیم کرد.

خیلی وقت‌ها ما خیلی چیزهایی که در مورد امیرالمؤمنین می‌گوییم، یعنی ما امیرالمؤمنین را قبول داریم و سنگ او را هم به سینه می‌زنیم، ولی وقتی گاهی با واقعیت امیرالمؤمنین مواجه می‌شویم، یک مقدار پس می‌زنیم و جا می‌خوریم. بعضی چیزها برای امیرالمؤمنین اولویت است که برای ما خیلی اولویت نیست و بعضی چیزها برای علی اولویت نیست، ولی برای ما اولویت است.



خیلی وقت‌ها زندگی دیگران - آن‌ها که مسیرشان غیر از مسیر اهل بیت بود - را وقتی نگاه می‌کنیم، می‌گوییم: پس دشمنی ما با این‌ها سر چه چیزی بود؟

ببینید عزیزان، شماها همه عزادار حضرت صدیقه طاهره (سلام‌الله‌علیها) هستید و مجلس متعلق به حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) است. ادب کردید و احترام کردید و بزرگواری کردید در جلسه نشست‌اید و بسیاری از عزیزان لباس مشکی به تن کرده‌اند، «عزای فاطمه (سلام‌الله‌علیها)» یعنی چه؟ بعضی حرف‌ها خیلی ساده و ابتدایی است، ولی وقتی آن را مرور می‌کنیم، می‌بینیم همین حرف ساده و ابتدایی انگار مورد توجه قرار نگرفته و به آن توجه نکرده‌ایم.

فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) کشته شد و شما عزادار آن حضرت هستید. می‌خواهیم قدم به قدم با هم گفتگو کنیم و بحث را ببریم جلو.



اگر لطف کنید و سوالات بنده اگر پاسخش بله است بله بفرمایید و اگر خیر است بفرمایید. به نظرم یک مقدار برویم جلو به نکات عجیبی می‌رسیم. همه شما عزیزان، عزادار حضرت زهرا (سلام الله علیها) هستید، درست است؟  
-بله.

عزادار حضرت زهرا (سلام الله علیها) هستیم یعنی برای فاطمه‌ای عزاداری می‌کنیم که او را کُشتند و به شهادت رساندند؛ یعنی فاطمه (سلام الله علیها) به صورت طبیعی از دنیا نرفت.  
فاطمه زهرا (سلام الله علیها) را هم افراد مشخصی کُشتند و این‌طور نیست که قاتلان ایشان معلوم نباشد، ما قاتلان حضرت زهرا (سلام الله علیها) را می‌شناسیم. این قاتلان حضرت زهرا (سلام الله علیها) بعد از پیغمبر زمامدار جامعه شدند، رئیس جامعه شدند. مگر فاطمه زهرا ناله نمی‌کرد که فاجعه شد، مصیبت



شد، و او یلا شد، حکومت را گرفتند، همه بدبخت می‌شوید، بیچاره می‌شوید، نمی‌دانید چه بلایی سر شماها آمد، آن قدر این مسئله در نگاه مبارک او شدید بود که جان مبارکش را پای این کار و پای این حرف تقدیم کرد.

من از شما سؤال می‌کنم، فاجعه‌ای که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) فرمود اتفاق می‌افتد، مگر چه شد؟ - از اینجا می‌خواهم وارد مطلب بشوم - خلیفه اول که حاکم شد نمازهای مردم از بین رفت؟  
- نه.

نماز جماعت‌ها شلوغ‌تر هم شد. قرآن از بین رفت؟  
- نه خیر.

مصحف قرآن را اتفاقاً جمع کردند و چاپ کردند. حافظ و قاری قرآن کمتر شد؟  
- نه.



## ثروت مملکت کم شد؟

-نه. روزبه‌روز ثروت مملکت بیشتر شد، خصوصاً در زمان خلیفه دوم. اموال عمومی و بیت‌المال سرشار از سرمایه شد.

اگر کسی آنجا بود می‌پرسید: «پس چه گفت فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) که می‌گفت بدبخت می‌شویم؟»

رسیدید به نکته خاص از عرایض بنده؟ مردم که نمازشان به راه است و مسجدشان را هم که می‌روند و کسی اگر عرق بخورد خلیفه دوم شلاقش را می‌زند و دزدی اگر بکند دست او را قطع می‌کنند، حجاب هم که مردم دارند، پس دلیلش چه بود که حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) این‌ها را گفت؟ نکند این‌ها تندروی و افراط می‌کنند. یا اصلاً شاید دعوا، یک دعوی شخصی بود که «زمین ما را گرفتند و خانه ما را گرفتند و فدک را گرفتند.» مگر چه شد؟ همه چیز که به راه است و روزبه‌روز





دایره مملکت اسلام و قلمرو آن دارد افزایش پیدا می‌کند و ایران را هم فتح کردند. اوضاع که برحسب ظاهر خوب است، پس مشکل چیست؟ این مسئله، اساسی است و خیلی هم اساسی است. معلوم می‌شود اصلاً مشکل در نگاه حضرت زهرا (سلام الله علیها) این‌ها نبود که نان کم می‌شود یا آب کم می‌شود، دغدغه حضرت زهرا (سلام الله علیها) مسائل ظاهری نبود.

من سعی می‌کنم ساده صحبت کنم، ولی مطلب، مطلب عمیقی است. حضرت زهرا (سلام الله علیها) گفت این‌ها دارند هدف را چیز دیگری به مردم قالب می‌کنند. مگر پیغمبر آمد و اسلام آمد که ما خوب بخوریم و بچرخیم. البته که باید خوب بخوریم و خوب بچرخیم، در این شکی نیست، البته اگر به اسلام عمل کنیم خوب



می خوریم و خوب می چرخیم. این نص صریح آیه  
قرآن است که فرمود اگر حرف‌هایی که می‌زنم

گوش بدهند **لَا كَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ**

**أَرْجُلِهِمْ**<sup>۳</sup>، از بالا و پایین برای این‌ها نعمت

می‌بارد. **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا**

**عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ**<sup>۴</sup> اگر همه سربه‌راه باشند، مؤمن

باشند و باتقوا باشند، درهای برکت را باز می‌کنم

---

۳. **وَلَوْ أَنَّ هُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أَنْزَلْنَا إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِنْهُمْ أُمَّةٌ مُقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ.** (سوره مائده، آیه ۶۶).

۴. **وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَرَكَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنْ كَذَّبُوا فَأَخَذْنَا هُمْ بِمَآكِنِهَا كَانُوا يُكْسِبُونَ.** (سوره اعراف، آیه ۹۶).



و فقیر در جامعه پیدا نمی‌شود. در عصر امام  
زمان هم همین‌طور است. مردم صدقه  
می‌خواهند بدهند، اگر کسی فقیر پیدا کند به  
خاطر اینکه ثواب صدقه را ببرد، به هیچ‌کس لو  
نمی‌دهد و زود می‌دود و تا کسی به او پول نداده،  
می‌دهد، فقیر هم به آن شکل و معنا در دوران  
امام زمان نداریم، حالا طرف یک مقدار کسری  
آورده و مشکل پیدا کرده، این سریع می‌دود که  
مبادا دیگری بیاید، از بس که مردم فقیر پیدا  
نمی‌کنند که صدقه بدهند و از فیض صدقه دارند  
محروم می‌شوند. این جامعه امام زمان و  
اهل بیت و جامعه قرآنی است.



قطعاً اگر حرف امیرالمؤمنین را گوش می‌کردند و ما گوش بکنیم، مملکت این شکلی می‌شود. ولی آیا خدا پیغمبر را برای همین فرستاد؟ یعنی امیرالمؤمنین امام شد که همین اتفاق بیفتد؟ مسئله فقط همین بود؟ وحی نازل شد و قرآن آمد و این همه آدم برای این قرآن کشته شدند و شکنجه‌های عجیب و غریبی که انجام می‌دادند، عمار یاسر، پدرش، مادرش که جناب سمیه تحت شکنجه‌های بسیار عجیب و غریب آخر از چهار طرف به چهار مرکب او را بستند و او را تکه‌تکه کردند.<sup>۵</sup> این‌ها کشته شدند که چه بشود؟ این‌ها برای بهبود اوضاع اقتصادی کشته شدند؟ حرف حضرت زهرا این بود؟ خطبه فدکیه و سخنرانی‌های دیگر حضرت زهرا (سلام‌الله‌علیها) این بود که پیغمبر برای چه آمد؟ ما وحی را برای

---

۵. (امین، اعیان الشیعه، ج هشت، ص سیصد و هفتاد و دو).



چه می خواستیم؟ بعد از رحلت پیغمبریک نفر بود که ناله می زد و فریاد می زد و شیون می کرد که وحی از ما قطع شد. **الْوَحْيُ قَدْ انْقَطَعَ عَنَّا**<sup>۶</sup>. بیچاره شدیم، قدر و قیمت وحی را فقط فاطمه زهرا (سلام الله علیها) می دانست و مردم عادی عین خیالشان نبود. تفاوت علی (علیه السلام) با دیگران را فقط فاطمه می دانست و بقیه می گفتند خوب مگر چه شده؟ این ها هم خوب هستند و این ها هم مسلمان اند و نماز می خوانند. این ها هم کاروان مکه می برند. حج که قطع نشد! نمی خواهم بحث را سیاسی کنم و زود از بحث برداشت بکنم. ولی این تحلیل های آیکی گاهی در

---

۶. قَالَتْ فَقَالَ لَهَا عَلِيُّ ع مِنْ أَيْنَ لَكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ هَذَا الْخَبْرُ وَالْوَحْيُ قَدْ انْقَطَعَ عَنَّا فَقَالَتْ يَا أَبَا الْحَسَنِ رَقَدْتُ السَّاعَةَ فَرَأَيْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ ص فِي قَصْرِ مِنَ الدَّرِّ الْأَبْيَضِ فَلَمَّا رَأَى قَالَ هَلُمَّ إِلَيَّ يَا بِنِيَّةَ فَإِنِّي إِلَيْكَ مُشْتَاقٌ فَقُلْتُ وَاللَّهِ إِنِّي لَأَشَدُّ شَوْقًا مِنْكَ إِلَيَّ لِقَائِكَ... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹).



ذهن خود ما هم دیده می‌شود که قبل از انقلاب هم نماز بود و مسجد بود و هیئت بود و مردم مشهد می‌رفتند. انگار اصلاً نفهمیده قضیه چی است. مگر ما برای این‌ها انقلاب کردیم؟ ما اصلاً هیچی، انقلاب ما هیچی، مگر پیغمبر برای این‌ها آمد؟ مگر پیغمبر آمده بود شکم‌ها را سیر کند؟ بعضی‌ها از حرف سوءبرداشت می‌کنند و بعضی‌ها هم دوست دارند که سوءبرداشت کنند. بعضی دل‌ها که در این جلسه نداریم، مریض است و دوست دارند آخوند که می‌بینند یک چیزی بچسبانند. حرف ما خیلی شفاف است و الحمدلله همه اهل فکر و عقل هستند و می‌فهمند چه می‌گوییم. مشکلات اقتصادی ما اگر به دستور پیغمبر و اهل بیت عمل کنیم و عمل می‌کردیم، حل شده بود، به شواهد بسیار فراوان که بحث مفصلی هم هست که اگر خواستید می‌شود در مورد همین هم مفصل صحبت کرد. ولی مسئله



این است که اقتصاد چیست؟ اوضاع اقتصادی هدف است یا وسیله؟ عدالت چیست؟ یک وقت من این مطلب را در دانشگاه فردوسی مشهد مفصل بحث کردم. دوستان فرهیخته و نخبه‌ای بودند و بحث هم بحثی جدی است.

گفتیم: «آیا پیغمبر آمده عدالت بیاورد؟» چون بعضی وقت‌ها فکر می‌کنیم هدف از ظهور امام زمان عدالت است، البته امام زمان عدالت هم می‌آورند، البته مسئولین ما باید عدالت هم بیاورند. البته ما در اجرای عدالت در جمهوری اسلامی ضعف‌های جدی داریم و آن‌طور که باید و شاید عدالت در مملکت ما رعایت نمی‌شود و همه این را می‌دانیم و مسئولین هم از همه بهتر می‌دانند.

ولی مسئله این است که فقط عدالت و تمام؟ مگر در کندوی زنبور عسل عدالت رعایت نمی‌شود؟ مگر بین مورچه‌ها عدالت رعایت



نمی‌شود؟ یعنی در نهایت قرار است ما بشویم یک جامعه‌ای که الگو ما و امام ما زنبور عسل باشد؟ تعبیری که دیشب از امیرالمؤمنین خواندم؛ یعنی مدل مطلوب ما، امام یعنی کسی که ما از روی دست او می‌نویسیم، یعنی ما داریم از روی دست زنبور می‌نویسیم؟ با هم خوب بخوریم، خوب بچرخیم و هر کس برود و شهد خودش را بیاورد و عسل خودش را تولید کند و همه با هم زندگی کنیم و دور هم باشیم و بعد هم بمیریم؟ این که یعنی ما اقتدا کردیم به زنبور عسل! آیا خدا ما را آدمیزاد خلق کرد که نهایتاً راه بیفتیم دنبال زنبور عسل؟ جامعه آدمیزاد آخرش زور بزند و بشود شبیه زنبور عسل؟ اگر خدا پیغمبر و امام و قرآن و همه را فرستاد که نهایتاً بشویم زنبور عسل، خوب از اول ما را هم زنبور عسل خلق می‌کرد و این قرآن را هم نمی‌خواستیم. پیغمبر هم نمی‌خواستیم و این همه کشت و کشتار و درگیری هم نداشتیم و





این همه دست امیرالمؤمنین بستن و پهلوی حضرت زهرا (سلام الله علیها) شکستن و سر اباعبدالله بر نیزه کردن دیگر ندارد، این همه داستان نداشت. ما برای چه انسان خلق شدیم؟ اینها سوالات جدی است که بعضاً در منبرها نه گوینده حال این حرفها را دارد و نه اقتضای جلسه این است که بحثهای عمیق مطرح شود. یک چیزهایی از مصائب حضرت زهرا (سلام الله علیها) را بگوییم و بعد هم برویم.

ما از اول طلبگی عهد کردیم و بنا بر این داشتیم که خیلی در این فضاها بحث را نبریم و به مباحثی که جدی تر و مهم تر است پردازیم. ممکن است بعضی جاها این حرفها آن قدر هم مشتری نداشته باشد، ولی الحمدلله تجربه نشان داده که عموم مردم به این بحثها اشتیاق دارند و دوست دارند مباحث عمیق تری مطرح شود. البته این به آن معنا نیست که من چیزی بدم و یا حرف



عمیقی داریم. قضیه فاطمیه، قضیه عمیقی است و مسئله فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فقط اینها نبود که «آی مردم اگر علی رئیس نشود تورم فلان درصد می شود.» یا مثلاً «مرغ گران می شود پس به علی رأی بدهید.» بعد دیدند مرغ گران نشد و وضع ما هم بهتر شد، پس فاطمه زهرا (سلام الله علیها) چه می گفت؟

مسئله این است که تو را آفریده اند برای

بندگی. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ.<sup>۷</sup>

آن که برای تو اصل و اساس است، عالم بقا است.<sup>۸</sup> بله ما یک وقت هایی یک چیزهایی

---

۷. وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. (سوره ذاریات، آیه ۵۶).

۸. إِنَّكُمْ إِنَّمَا خُلِقْتُمْ لِلْآخِرَةِ لَا لِلدُّنْيَا وَاللِّبْقَاءِ لَا لِلْفَنَاءِ (تمیمی آمدی، غرر الحکم، ج ۱، ص ۲۷۰).



می‌گوییم و یک قرآنی هم می‌خوانیم، ولی برای یک چیز دیگری داریم زندگی می‌کنیم. ماه رمضان قرآن می‌خوانیم برای ثوابش. ولی در زندگی که می‌رویم می‌بینیم خبری از این حرف‌ها نیست.

وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ. سوره ذاریات را خواندی؟ جزء امروز خودت را خواندی؟ در مجلس ختم سوره ذاریات را خواندی و به روح آن مرحوم هدیه کردی؟ آیات قرآن برای مُرده‌ها آمده بود یا برای زنده‌ها؟ آمده بود به روح مُرده‌ها برسد یا آمده بود که روح زنده‌ها را بالا ببرد؟ مگر قرار نبود هدف، بندگی باشد؟ این‌ها دارند سمت بندگی می‌برند یا نه؟ دیشب عرض کردم گفت:



«حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ رَا نْكَوِيِيءِ»<sup>۹</sup> مگر نماز بهترین عمل است؟ جهاد، کاسبی، مردم باید بروند پول بیاورند و سرمایه و اقتصاد را بچرخانند.» گاهی در زندگی ماها هم همین هست. می‌گوییم خدا لعنت کند غاصبان فدک را قاتلین حضرت زهرا را، ولی آخر که باز داریم از روی دست همین‌ها می‌نویسیم.

مگر حضرت زهرا (سلام الله علیها) نفرمود چی برای زن بهتر است؟<sup>۱۰</sup> دیشب عرض کردیم. بهترین

---

۹. عَنْ عِكْرِمَةَ قَالَ: قُلْتُ لِابْنِ عَبَّاسٍ أَخْبِرْنِي لِأَيِّ شَيْءٍ حُذِفَ مِنَ الْأَذَانِ حَى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ قَالَ أَرَادَ عُمَرُ بِذَلِكَ أَنْ لَا يَتَّكِلَ النَّاسُ عَلَى الصَّلَاةِ وَ يَدْعُوا الْجِهَادَ فَلِذَلِكَ حُذِفَ مِنَ الْأَذَانِ (علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۱۴۰).

۱۰. عَلَى بِنِ عِيْسَى فِي كُشْفِ الْعُمَّةِ نَقْلًا مِنْ كِتَابِ أَخْبَارِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ لِابْنِ بَابُوَيْهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: كُنَّا عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ أَخْبِرُونِي أَيُّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ فَعَيَّيْنَا بِذَلِكَ كُلَّنَا حَتَّى تَفَرَّقْنَا فَرَجَعْتُ إِلَى



و والاترین نقش یک زن، نقش مادری است. این اختلاط، این قاتی بودن، توی جامعه با مرد سروکله زدن بدون ضرورت و بدون نیاز، سروکله زدنی که آسیب دارد، عاطفه ردوبدل می‌کند، این‌ها شر است و مفسده است. به بعضی‌ها که می‌گوییم، می‌گویند: «یعنی چی؟ یعنی این‌ها همه بروند کنج خانه‌هایشان و پول درنیاورند؟ این مگر دل ندارد که ماشین آخرین مدل سوار بشود؟ باید برود کار کند و پول دربیاورد. زن و مرد با هم ندوند که خرجشان تأمین نمی‌شود.» البته من قبول دارم که خیلی وقت‌ها خرج زندگی تأمین

---

فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَخْبَرْتُهَا بِالَّذِي قَالَ لَنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَيْسَ أَحَدٌ مِّنَّا عَلِمَهُ وَ لَا عَرَفَهُ فَقَالَتْ وَ لَكِنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالُ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنَا أَيَّ شَيْءٍ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ خَيْرٌ لَّهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَ لَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَقَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَ أَنْتَ عِنْدِي فَقُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعْجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، وَ قَالَ: إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي (شيخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۶۷).



نمی‌شود، ولی چه چیزی را داری فدای چه چیزی می‌کنی؟

گفت طرف یک اسکناس صدتومانی از جیبش افتاد توی جوی آب، تاریک بود، دنبالش می‌گشت. دید پیدا نمی‌کند دست کرد از جیبش یک کاغذ درآورد آتش زد که آن را پیدا کند، صدتومانی را پیدا کرد، ولی دید تراول پنجاه هزار تومانی آتش زده است. بعضی وقت‌ها ما برای سیر کردن شکم خودمان، همه چیز را از دست می‌دهیم، دنیا و آخرتمان. نسلمان را داریم نابود می‌کنیم که این لقمه به آخر برج برسد. چه چیزی را فدای چه می‌کنیم؟ اولویت چیست؟ خودت مهمی. بندگی تو مهم است، عالم بقای تو مهم است.

امیرالمؤمنین فرمود: «هفت اقلیم عالم را به من بدهند و هفت آسمان را بدهند، من یک پرگاه



را به ظلم از دهان مورچه بیرون نمی‌کشم»<sup>۱۱</sup>، امیرالمؤمنین چه می‌فهمید که ظلم نمی‌کرد و نگاهش به ظلم این است؟ نکته اساسی بحث این است که امیرالمؤمنین امام متقین است. امام المتقین. این خیلی نکته اساسی ای است. کسانی که به علی رو می‌آورند که اهل تقوا هستند. این‌ها قدر علی را می‌دانند. کسانی که امام در حد شکم و اقتصاد و کاسبی و بودجه و بازار و روابط بین‌الملل و این‌ها می‌خواستند که خلفای قبلی برایشان بهتر بود. آن‌ها می‌رفتند کشورگشایی می‌کردند.

امیرالمؤمنین کشورگشایی را که متوقف کرد، بلکه افتاد به جان داخلی‌ها و گفت اول از همه

---

۱۱. وَ اللَّهُ لَوْ أُعْطِيَتْ الْأَقَالِيمَ السَّبْعَةَ بِمَا تَحْتِ أَفْلَاكَهَا عَلَيَّ أَنْ أَعْصِيَ اللَّهَ فِي نَمْلَةٍ أَسْلُبُهَا جُلْبَ شَعِيرَةٍ مَا فَعَلْتُهُ. (سید رضی، نهج البلاغه، ص ۳۴۷).



برخورد با معاویه! قبلی‌ها که بهتر بودند، اگر بنا به پول و بودجه بود، خدا رحمت کند قبلی‌ها را.

مسئله امیرالمؤمنین یک چیز دیگر است. او می‌گوید من با طغیان مبارزه می‌کنم، من بنده می‌خواهم. من هدفم عبودیت است، من تقوا را می‌خواهم به جامعه بیاورم، من می‌خواهم یادت نرود که خانه‌ات کجاست، یادت نرود که زندگی‌ات کجاست. «وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ»<sup>۱۲</sup>.

مگر تو برای اینجا خلق شده‌ای؟ مگر همه زندگی همین است؟ این حرف‌ها سنگین است و البته همین الآن هم اگر این حرف‌ها در جامعه ما مطرح شود مسخره می‌شود. ما آدم داشتیم که رئیس جمهور هم بود ولی مسخره کرد و گفت مگر ما قرار

---

۱۲. وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ

كَانُوا يَعْلَمُونَ. (سوره عنکبوت، آیه ۶۴).





است مردم را ببریم بهشت؟<sup>۱۳</sup> خب احمق، پس آن  
عمامه چی است که روی سر خودت گذاشتی و این  
جایگاه چی است که روی خون سیصد هزار شهید  
نشسته‌ای؟ وقتی نمی‌خواهی مردم را به بهشت  
ببری، غلط کردی آمدی مسئولیت دست گرفتی!  
اگر قرار بود مردم را به بهشت نبری، برای چی  
عمامه و ریش گذاشتی که مردم به تو رأی  
بدهند؟ کراواتی‌ها و عرق خورها که بودند بهتر هم  
مردم را سرکیف می‌آوردند. اصلاً برای چی انقلاب  
کردیم؟ مردم انقلاب کردند که بروند بهشت،

---

۱۳. سایت مشرق، «روحانی و ماجرای بهشت اجباری با شلاق!»، تاریخ درج  
مطلب ۴ خرداد ۱۳۹۳، تاریخ بازدید: ۲۳ اسفند ۱۴۰۲، لینک:

<https://www.mashreghnews.ir/news/۳۱۲۶۶۷/%D%A%B%1D%AA%9D%AA%D%AA%7D%86%9DBA%C-%D88%9-%D%85%9D%AA%7D%8AC%D%A%B%1D%AA%7DBA%C-%D%8A%8D%87%9D%8B%4D%8AA-%D%8A%7D%8AC%D%8A%8D%AA%7D%8B%1DBA%C-%D%8A%8D%8A7-%D%A%B%4D%84%9D%AA%7D82%9>



مسئولین این‌ها را ببرند بهشت. البته بهشت بدون درست شدن اوضاع اقتصادی نمی‌شود.

فرمود نزدیک است که فقر به کفر کشیده شود.<sup>۱۴</sup> ولی این را هم بدانید، یک عزیز بزرگواری دیشب بعد از جلسه خیلی با محبت و احترام و گلایه، فرمودند اوضاع این مملکت چه زمانی قرار است درست بشود و این دزدی‌ها چه زمانی جمع می‌شود؟ البته بنده چون سرم شلوع بود و دوستان هم بودند، وقتی دوستان دیگر آمدند این عزیز بزرگوار رفتند. الآن اگر تشریف دارند خدمتشان عرض می‌کنم.

یک وقتی هست که شما یک مملکتی دارید یک سرنیزه و چماق بالای سر مردم می‌گیری و تا یک کسی گران‌فروشی کرد پدرش را درمی‌آوری،

---

۱۴. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ: كَادَ الْفَقْرُ أَنْ يَكُونَ كُفْرًا وَ كَادَ الْحَسَدُ أَنْ يَغْلِبَ الْقَدْرَ. (کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷).



اعدام می‌کنی، نمی‌گذاری کسی <sup>مهم</sup>نطق بکشد. البته این هم در هر جایی جواب نمی‌دهد. ولی به هر حال تا حدی جواب داده است.

داستان نادرشاه افشار را شهید مطهری نقل می‌کرد. پیرمردی به نادر گفت سرباز تو ماست من را خورده، البته من بعید می‌دانم داستان را و ان شاء الله این جوری نبوده، ولی چون شهید مطهری نقل می‌کند من از قول ایشان می‌گویم<sup>۱۵</sup>. به سربازش گفت ماست این را خوردی؟ گفت نه. گفت شکمش را بشکافید ببینیم خورده یا نه<sup>۱۶</sup>.

---

۱۵. (شهید مطهری، اسلام و مقتضیات زمان، ج ۱، ص ۵۴). شهید مطهری این ماجرا را به عنوان مثال طرف مقابل نقل می‌کند.

۱۶. هنگامیکه نادر شاه افشار در بیابانی اردو زده بود، یکی از رعایای قلعه مجاور شکایت کرد که فلان سرباز مقداری از ماستهای مرا خورده است. نادر سرباز را احضار و از وی بازخواست می‌کند. لیکن سرباز انکار می‌کند. سپس نادر رو به شاکی کرده و می‌گوید شکم این سرباز را پاره می‌کنم اگر در آن ماست بود ترا آزاد می‌کنم و او بسزای عمل خود رسیده است اما اگر ماست نبود، ترا نیز بقتل خواهیم رساند. آن شخص پذیرفت، اما سرباز امتناع ورزید. نادر گفت اینک مرتکب دو جرم شدی، یکی اینکه به رعیت ظلم کردی،



یک وقت مملکت این شکلی است و کسی جرئت ندارد دست از پا خطا کند. امیرالمؤمنین فرمود: من بدم با شمشیر همه را ببرم بهشت، می دانم اگر شلاق بزنم همه راه می آید، ولی قرار نیست من شما را بهشت ببرم در حالی که خودم بروم جهنم.<sup>۱۷</sup> قرار نیست من به شماها ظلم کنم که شماها آدم بشوید.

بله. یک بخشی از مملکت ما به این است که نظارت نیست. کسی هم که باید نظارت بکند گاهی خودش دزد است. گاهی از همه دزدها دزدتر است. ولی شما فکر می کنید با پلیس قوی و یک قوه قضائیه قوی و با یک نظارت قوی قضیه حل

---

دیگر آنکه به نادر دروغ گفتی. آنگاه فرمان داد وی را به مجازات رسانیدند. (انجمن آثار ملی، نادرنامه، ص ۵۹۸. این داستان را در شمار افسانه های منسوب به نادر برشمرده است).

۱۷. وَ اللَّهُ لَكثيرٌ فِي الْبَاحَاتِ قَلِيلٌ تَحْتَ الرَّايَاتِ وَ إِنِّي لَعَالِمٌ بِمَا يُصَلِحُكُمْ وَ يُقِيمُ أَوْدَكُمْ وَ لَكِنِّي لَا أَرَى إِصْلَاحَكُمْ بِإِفْسَادِ نَفْسِي. (نهج البلاغه، خطبه ۶۹).



می‌شود؟ ماشین را برده بودیم تعمیرگاه، چون بخش زیادی از عمر بنده در تعمیرگاه می‌گذرد، موتور ماشین را تعمیر کرد، قطعات را که هنوز هم سر در نیاوردیم و این همه هم که رفتیم آدم از یک کاری که خوشش نمی‌آید دل نمی‌دهد و آخر هم یاد نمی‌گیرد. یک مقداری هزینه سنگینی فاکتور کرد و گفتم تخفیف بده. گفت تخفیف به این بود که فلان قطعه ماشینت را که معمولاً تعمیرگاه‌ها درمی‌آورند و عوض می‌کنند چون مال تو فابریک بود، مثلاً فابریک پنج میلیون می‌ارزد، من می‌توانستم یک قطعه دست‌دوم بیندازم با دویست و پنجاه هزار تومان و تو هم هیچ‌وقت نمی‌فهمیدی. تخفیف تو همین بود که قطعه را نذر دیدم. گفتم این هم شد منت سر من؟ گفت برو ببین بقیه چه کار می‌کنند.

یک کسی کلیپ فرستاده بود و گفته بود حواستان باشد، خرید و فروش ماشین



می‌خواهید بکنید، بعضی‌ها که لحظه آخر می‌خواهند ماشین را قولنامه کنند، یک حبه قند می‌اندازند داخل باک ماشین، ماشین دچار مشکل می‌شود و می‌گویند موتور ماشین مشکل دارد و پنجاه تومان تخفیف می‌گیرند. هیچی هم نشده.

وقتی آدم بی‌تقوا و مملکت این شکلی شد که البته یک بخشی از این هم معلول کار خود مسئولین ماست. این را هم ما انکار نمی‌کنیم، این‌که فرهنگ جامعه رشد نمی‌کند، بخشی از آن گردن مسئولین است. ولی مسئله اساسی ما مسئله فرهنگ است، مسئله اعتقاد است، مسئله باور است. مگر هرکس دزدی نکرد باید مورد تشویق قرار بگیرد؟ تا وقتی دوربین بالای سرش هست دزدی نمی‌کند. شما در غرب می‌بینید، می‌گویند دو ساعت برق می‌رود و این دوربین‌ها از



کار می‌افتد، آمار دزدی در فروشگاه‌ها به کجاها که نمی‌رسد.

مگر هرکس دزدی نکرد، لزوماً، آدم باتقوایی است؟ آن باور و آن اعتقاد مهم است، امیرالمؤمنین امام متقین است. ناله حضرت زهرا (سلام الله علیها) سر همین باور است. می‌گوید این‌ها ممکن است مسئله اقتصاد تو را حل بکند، ولی باور تو را نابود می‌کند. می‌گوید خیر العمل چی است؟ نماز چی است؟ تقوا کدام است؟ ذکر چی است؟ پول، شلاق می‌زنم باید بروی کار کنی و پول در بیاوری؛ و الا پدرت را درمی‌آورم. تمام شد؟ رسیدی به چیزی که می‌خواستی؟ پیغمبر برای همین آمده بود؟ پس پیغمبر برای چه این‌همه مدارا می‌کرد؟ امیرالمؤمنین برای چه این‌همه مدارا می‌کرد؟

نکته اصلی بحث را نمی‌دانم توانستم با این بیان نارسا عرض کنم یا نه. چیزی که مسئله



فاطمه زهرا (سلام الله علیها) است این است که باور مردم چقدر قوی می شود، اعتقادشان چقدر قوی می شود. یک مسئولی باید بیاید، امامی باید بیاید، حاکمی باید بیاید که قبر و قیامت و معاد باور خودش باشد، خودش اهل توجه است، خودش اهل ذکر است، خودش اهل خلوت است. این خیلی مسئله است. از این نکته نباید غافل بود.

در مورد انقلاب و مسائل روز چون نکاتی را عرض کردم، می خواهم نکات دیگری را هم عرض کنم که کمی مطالبی که عرض می کنیم تعدیل بشود. ما قبول داریم که در مملکت مشکلات الی ماشاء الله است. مافیاهای عجیب و غریب، مافیای خودرو، مافیای مسکن، کمر ملت را شکسته اند.

چند روز پیش به رفقا گفتم که سال گذشته در یک سخنرانی گفتم مرغ شده پنجاه تومان.





همه هاج و واج شدند، الآن راحت صد تومان می‌خریم و زندگی می‌کنیم. در یک سال مرغ که رزق مردم است دو برابر شد. گوشت کیلویی ششصد الی هفتصد تومان. این‌ها درد است، ناله است، این‌ها غصه است. قشر ضعیف جامعه می‌خواهد چه‌کار بکند. کارمند، روزمزد، خانواده‌های عیال‌وار، خانواده‌ای که یک زن سرپرست خانوار است، این‌ها جگر آدم را خون می‌کند و دل آدم را می‌سوزاند، ولی یادمان نرود، مسئله فرهنگی و اعتقادی از این مسائل به‌مراتب برای ما شدیدتر و بدتر است.

این انقلاب کم و کسری زیاد دارد، ولی لااقل شما در سران این مملکت یک شخصیتی مثل حضرت امام (ره) را می‌بینید. آدمی است که بختیار در مورد امام صحبت می‌کند، جلسه شورای سلطنت است و جلسه شورای امنیت کشور است در مورد اینکه اجازه بدهیم امام خمینی وارد



کشور بشود یا نه؟ فایل صوتی بختیار موجود است - بختیار کسی است که در جنگ ایران و عراق می‌گفت آرزو می‌کنم صدام غلبه کند بر جمهوری اسلامی - می‌گوید: «خمینی خیلی ترس ندارد، خیلی زاهد است، من آمار او را دارم، نانی که می‌خورد غذایش این طوری است، عدالتش این طوری است، انصافش این طوری است، این آن قدر ترسی ندارد و فکر نکنید اگر بیاید می‌خواهد همه ما را قتل عام بکند.»<sup>۱۸</sup>

من به تلقی او کار ندارم و بعدها همین طور شد و لطف خدا بود وقتی حضرت امام وارد این مملکت شد با دست خالی و با اراده مردم امام پیروز شد و نه با کودتا و کشتار و قتل عام. ولی نگاه بختیار را ببینید، در ذهن دشمن هم امام خمینی

---

۱۸ کلیپ سخنان بختیار در این لینک موجود است:



یک نقطه سیاه نگذاشته که مثلاً این آدم اهل زد و بند و کثافت‌کاری‌های سیاسی است. خود این خیلی نکته مهمی است.

بله. این جمهوری اسلامی سر تا پا اشکال و ایراد و انتقاد دارد، ولی از این نکته غافل نشویم که شما یک حاکم و یک رئیسی داری که سر تا پا بی‌فرهنگی است، این نکته مهمی است. مثلاً من الآن به شما بگویم فلان فرمانده سپاه مافیای قاچاق مواد مخدر این کشور است، یا بگویم: «برادر رئیس‌جمهور، یا فرزند رهبری هرچقدر شیشه و گل وارد این مملکت می‌شود خودش وارد می‌کند»، این تهمت‌ها با وجود اینکه خیلی تهمت زدن به مسئولین مملکت می‌چسبد، ولی این را اگر بگوییم کسی باورش نمی‌شود و این حرف را نمی‌پذیرد.

حالا در حکومت پهلوی که نگاه می‌کنی اشرف عامل اصلی قاچاق مواد مخدر به داخل مملکت



است. نفر اول حکومت بعد از شاه. خودشان مبدأ فساد بودند. فساد را در جامعه ایجاد می‌کردند. می‌بردند از فساد. نانشان در فساد جامعه بود. این‌که یک حکومتی نسبت به فساد ضعیف برخورد می‌کند، که این هم البته عواملی دارد و بحثی دارد. امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) می‌فرمود من می‌خواهم با شماها باشم و به واسطه شما با فساد برخورد کنم، درحالی‌که شماها خودتان فاسد هستید. از کجا بیاورم؟ ملائکه را که نمی‌توانم بیاورم و مسئول کنم؟ من ده نفر را می‌سپارم به بالاسری و می‌گویم حواست باشد اینجا دزدی و اختلاس نشود.<sup>۱۹</sup> خود او

---

۱۹. و من خطبة له (علیه السلام) بعد ليلة الهَرير و قد قام إليه رجل من أصحابه فقال نَهَيْتَنَا عَنِ الْحُكُومَةِ ثُمَّ أَمَرْتَنَا بِهَا. [فما ندري] فلم ندر أيّ الأمرين أُرشد؟ فَصَفِقْ (عليه السلام) إحدَى يَدَيْهِ عَلَى الْأُخْرَى ثُمَّ قَالَ: هَذَا جَزَاءُ مَنْ تَرَكَ الْعُقْدَةَ، أَمَا وَاللَّهِ لَوْ أَنِّي جِئْتُ بِمَا أَمَرْتُكُمْ بِهِ، حَمَلْتُكُمْ عَلَى الْمَكْرُوهِ الَّذِي يَجْعَلُ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا، فَإِنْ اسْتَقَمْتُمْ هَدَيْتُكُمْ وَإِنْ أَعْوَجَجْتُمْ قَوَّمتُكُمْ وَإِنْ أَبَيْتُمْ تَدَارَكْتُكُمْ لَكَانَتِ الْوُثْقَى، وَ لَكِنْ بِمَنْ وَ إِلَى مَنْ؟



می خورد و می برد، این را چه کار کنیم. اینجاست که عرض کردم تقوا اساس کار است و مشکل امیرالمؤمنین کمبود تقوا در آحاد جامعه است. برای همین است که می بینید عمده کلمات امیرالمؤمنین در نهج البلاغه که اکثر کلمات امیرالمؤمنین است در دوران حکومتش، اکثر مطالب نهج البلاغه در مورد تقوا است و یاد مرگ. این رهبر مملکت است. بابا این ها را ول کن بگو قیمت گوجه و فلان چیز گران شده. اصلی ترین چالشی که امیرالمؤمنین دارد، مسئله تقواست. معادباوری است، فکر و عقیده دینی است. حتی امیرالمؤمنین اگر حاکم هم بشود، در قضیه سقیفه و فدک که اصلاً امیرالمؤمنین حاکم نشد، وقتی حاکم هم بشود، این فکر و فرهنگ وقتی

---

أُرِيدُ أَنْ أَدَاوِيَ بِكُمْ وَ أَنْتُمْ دَائِي، كَنَاقِشِ الشُّوْكَةَ بِالشُّوْكَةِ وَ هُوَ يَعْلَمُ أَنَّ  
ضَلَعَهَا مَعَهَا. اللَّهُمَّ قَدْ مَلَّتْ أَطْبَاءُ هَذَا الدَّاءِ الدَّوِيَّ وَ كَلَّتِ [النَّزَعَةُ] النَّزَعَةُ  
بِأَشْطَانِ الرَّيِّ. (نهج البلاغه، خطبه ۱۲۱).



درست نباشد، باز هم علی نمی‌تواند کاری بکند، ولی این هم که رأس مملکت خودش مولد فساد باشد، یا بنا دارد با فساد برخورد بکند، ولی پایین‌تر که می‌آید آن قدر عزم و تلاش نیست و آن قدر اثر آدم نمی‌بیند، خود این یک بُرد است. این‌ها را هم بگو، به این‌ها هم باید توجه کنید. این است که همه این دشمنان را شما می‌بینید نه نسبت به حضرت امام و نه نسبت به رهبر معظم انقلاب، نسبت به شخص این‌ها اصلاً کسی جرئت نمی‌کند یک نقطه سیاه پیدا کند. اصلاً ندارد که بخواهد بچسباند. چی را می‌خواهید بگویید. مثلاً بگویند ایشان آخر هفته‌ها می‌رود ویلای فلان‌جا. خوب کی می‌خواهد این را باور کند. بله بعضی از مسئولین مملکت ما بودند که روز تاسوعا عاشورا



می‌رفتند جت‌اسکی<sup>۲۰</sup>. این جوری هم داشته‌ایم. خیلی‌ها هم از این قضایا خبر داشتند. ولی این را کی باور می‌کند؟ یک چیزهایی باید به طرف بخورد. این نکته اساسی قضیه است.

پس امامت دو سر دارد. یک سرش امیرالمؤمنین است، یک سرش هم امت است. این طوری نیست که اگر امام خوب بود همه چیز تمام است. امت خوب هم می‌خواهیم. چقدر این امام را باور دارد و چقدر همسو با امام است. چقدر هدفش با هدف این امام یکی است. امام یعنی کسی که تو را در این راه ببرد، وقتی من اصلاً در این راه نمی‌خواهم بیایم چی؟ راه امیرالمؤمنین راه تقواست. این‌ها راهشان پول و درآمد و کاسبی بود. همیشه هم همین بود. در مورد

---

۲۰. هاشمی رفسنجانی، خاطرات سال ۱۳۷۰: سازندگی و شکوفایی، صفحه ۲۳۶.



هارون الرشید و ثروت هارون الرشید و فساد اقتصادی هارون الرشید عجایی نقل شده است<sup>۲۱</sup>. شب دامادی پسرش فرشی زیر پای او انداختند که از طلا درست کرده بودند. نقل تاریخی دارد که هزینه این چقدر بود و هزینه بیت المال در شهرهای بزرگ چقدر بود. هزینه فرشی که در دامادی او زیر پایش پهن کرده بودند، بودجه پنج استان بزرگ مملکت بود<sup>۲۲</sup>.

---

۲۱. خَلْفَ الرَّشِيدِ مِائَةٌ أَلْفٌ دِينَارًا، وَمِنَ الْأَثَاثِ وَالْجَوْهَرِ وَالْوَرَقِ وَالذَّوَابِ مَا قِيَمَتُهُ مِائَةٌ أَلْفٌ دِينَارًا وَخَمْسَةٌ وَعِشْرُونَ أَلْفَ دِينَارًا (سيوطي، جلال الدين، تاريخ الخلفاء، ص ۲۱۸).

۲۲. قيل أعظم الولائم الإسلامية اثنتان: إحداهما وليمة زفاف الرشيد على زبيدة كانت الهبات فيها غير محصورة حتى أنهم كانوا يهبون أواني الذهب مملوءة بالفضة وأواني الفضة مملوءة بالدنانير ونوافج المسك وقطع العنبر وجليت في درع من الدر لم يقدر أحد على تقويمه وضبط ما خرج فكان خمساً وخمسين ألف ألف وثنانيتها وليمة بوران على المأمون فرش فيها حصير منسوج بالذهب ونثر عليها من اللالي ما أغنى خلقاً كثيراً قال شارح المقامات تقر ما خرج من بيت المال فكان أربعين ألف ألف وقال غيره عن زبيدة سبعة وثلاثين وأوقد فيها شمعة من العنبر زنتها ثمانون رطلاً وكتب رقاعاً بأسماء ضيع ورساتيق وصلات وجعلها في بنادق





زمان شاه خودمان هم بودجه‌ای که خرج جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شد نمونه‌ای از فساد کلان بود<sup>۲۳</sup>. الآن هم هویدا را می‌زنند توی سر جوان‌ها

---

المسك في النثار فكان الذي يلتقط شيئاً منها يحبس عليه وقيل كان الحطب الذي أوقد فيها قد نقل بأربعة آلاف بغل أربعة أشهر فلم يكف حتى أوقد المكان. (انطاكی، داود، تزیین الاسواق في اخبار العشاق، ج ۱، ص ۱۹۵).

۲۳ با توجه به اسناد و مدارک موجود، برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در سال ۱۳۵۰ بین ۱۲۰ تا ۱۵۰ میلیون دلار هزینه دربر داشته است؛ و هرگاه در نظر بگیریم که با توجه به قیمت ۱/۸ تا ۲ دلاری نفت در هر بشکه در اواخر دهه ۱۳۴۰ درآمدهای ارزی حاصله از فروش نفت به زحمت به ۱/۵۰۰/۰/۰ دلار بالغ می‌شد، صرف حدود ده درصد کل اعتبارات ارزی کشور در عرض یک سال برای هزینه‌های جشن ۲۵۰۰ ساله برای رژیم بسیار سنگین بود. به علاوه این اجازه برداشت و مصرف این مبلغ طی هیچ مصوبه‌ای در دولت و مجلس تأیید نشده بود.

رک: هزینه‌های جشن‌های ۲۵۰۰ ساله چگونه تامین شد؟، تاریخ درج مطلب: ۲۱ مهر ۱۳۹۸، تاریخ بازدید: ۲۵ اسفند ۱۴۰۲، لینک:

[https://irdc.ir/fa/news/۵۲۵\)/%D۹%۸۷%D۸%B۲%DB%۸C%D۹%۸۶%D۹%۸۷%۴%۸۰%۸C%D۹%۸۷%D۸%A۷%DB%۸C-%D۸%AC%D۸%B۴%D۹%۸۶%۴%۸۰%۸C%D۹%۸۷%D۸%A۷%DB%۸C-۲۵۰۰-%D۸%B۳%D۸%A۷%D۹%۸۴%D۹%۸۷-%DA%۸۶%DA%AF%D۹%۸۸%D۹%۸۶%D۹%۸۷-](https://irdc.ir/fa/news/۵۲۵)/%D۹%۸۷%D۸%B۲%DB%۸C%D۹%۸۶%D۹%۸۷%۴%۸۰%۸C%D۹%۸۷%D۸%A۷%DB%۸C-%D۸%AC%D۸%B۴%D۹%۸۶%۴%۸۰%۸C%D۹%۸۷%D۸%A۷%DB%۸C-۲۵۰۰-%D۸%B۳%D۸%A۷%D۹%۸۴%D۹%۸۷-%DA%۸۶%DA%AF%D۹%۸۸%D۹%۸۶%D۹%۸۷-)



و می‌گویند هویدا این طور و آن طور بود. هویدا را کی زندانی کرد، خود شاه زندانی کرد<sup>۲۴</sup>. بعضی بدیهیات تاریخی را آدم خنده‌اش می‌گیرد در این فضاهای رسانه‌ای چیزها را جابجا می‌کنند؟ هی می‌گویند هویدا این طور بود، آن طور بود، در حکومت هویدا خودکار این قیمت بود. هویدا را کی به جرم فساد زندانی کرد؟ خود شاه انداخت زندان. اگر این خوب بود که شاه او را زندانی کرد، اگر هم بد بود چرا از او تعریف می‌کنید؟ آدم از بعضی واضحات تاریخی تعجب می‌کند. بچه

---

[%D8%AA%D8%A7%D9%A5%DB%8C%D9%A6-](#)

[%D8%B4%D8%AF](#)

۲۴. شاه در کتاب پاسخ به تاریخ می‌گوید: «ازهارى چون مشتاق بود حسن نیت خود را به مخالفان نشان دهد، فوراً دوازده تن از مقامات عالی‌رتبه را توقیف کرد که از آن میان آقای هویدا را در خانه‌اش تحت نظر قرار داد. او به من گفت: فقط محاکمه‌ای منصفانه می‌تواند چگونگی اتهامات وارده به نخست‌وزیر سابقم و دیگر کسانی را که توقیف کرده بود، روشن سازد.» (پهلوی، محمدرضا، پاسخ به تاریخ، ترجمه حسین ابوترابیان، ص ۳۴۹).



محمدرضا را می‌خواستند بفرستند مدرسه با هلی‌کوپتر شخصی می‌فرستادند.<sup>۲۵</sup> ما لااقل در یک دوران حاکمیت هستیم که کسی افتخار نمی‌کند که آقازاده باشد یا بچه‌اش را این‌جوری بفرستد مدرسه.

آقازاده الآن کم نداریم، بخوربخور هم کم نیست، این‌ها که عرض می‌کنم اسنادش موجود است، اگر خواستید برای شما می‌آورم. این خودش یک مسئله فرهنگی است. این‌که فساد آن طبقه حاکم زشت باشد، این خودش یک رشد فرهنگی است. کسی افتخار نکند به این‌که ما می‌خوریم و می‌بریم و کیف می‌کنیم و هیچ‌کس هم هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. این خودش فرهنگ است و خودش یک مرتبه‌ای از تقوا است. این خودش جامعه را مهار می‌کند. کنترل می‌کند.

---

۲۵. مستند شهبانو، ملکه ایران.



ان شاء الله خدا کمک کند که بتوانیم از این مشکلات عبور کنیم و خدا کمک کند که بتوانیم فرهنگمان را روزبه روز تقویت کنیم و مشکلات این مردم و این مملکت ریشه اش اینجاست.

امیرالمؤمنین آدم باتقوا می خواهد و مشکل امیرالمؤمنین همین است که آدم باتقوا می خواست. به مردم کوفه فرمود: من می خواستم با شماها دنیا را اصلاح کنم، شما کسانی هستید که اگر یک ظرف به شما بدهم می ترسم دسته آن را بدزدید و به من برگردانید.<sup>۲۶</sup> و گفت من از خود شماها بیشتر از همه می ترسم. تو خودت باور نداری، حالا من با تو این باور را به همه عالم منتقل کنم؟

---

۲۶. فَلَوْ اَتَمَمْتُ اَحَدَكُمْ عَلٰى فَعَبٍ لَخَشِيْتُ اَنْ يَّدَهَبَ بِعِلَاقَتِهِ (نج البلاغه، خطبه ۲۵).



این می‌شود مظلومیت امیرالمؤمنین، مظلومیت حضرت زهرا و مظلومیت اهل بیت (ع). وضعیت فرهنگی جامعه را ببینید، زمان خلیفه دوم بخشنامه کردند مالیات را. بخشنامه کردند که مالیات دو برابر شد. چند نفری را از مالیات معاف کردند و یکی از کسانی که معاف از مالیات بود، قنُذ<sup>۲۷</sup> بود. این روایت موجود است.

شما ببینید در یک جامعه، این اوج وضعیت فرهنگی پست است که به جای اینکه محکوم کند و دلیل کند کسی را که به دختر پیغمبر اهانت کرده، حمله کرده، او را اکرام می‌کند و حاکمیت به قنُذ<sup>۲۷</sup> جایزه می‌دهد. این مردم هم دارند در این مملکت زندگی می‌کنند. انگار ارزش بوده. امیرالمؤمنین می‌گوید<sup>۲۷</sup>: می‌دانید چرا به قنُذ<sup>۲۷</sup>

---

۲۷. قَالَ سُلَيْمٌ: انْتَهَيْتُ إِلَى حَلَقَةٍ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَيْسَ فِيهَا إِلَّا هَاشِمِيٌّ غَيْرَ سَلْمَانَ وَ أَبِي ذَرٍّ وَ الْمُقْدَادِ وَ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ بْنِ أَبِي سَلَمَةَ وَ قَيْسِ بْنِ سَعْدِ بْنِ عَبَادَةَ، فَقَالَ الْعَبَّاسُ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ



این عنایت را کردند؟ برای این بود که قنفذ  
ضربه‌ای به بازوی فاطمه زد و این به شکرانه  
ضربه‌ای بود که او به بازوی فاطمه زد. برای همین  
معاف از مالیاتش کردند.

شما ببینید وضعیت جامعه چطوری  
می‌شود. قنفذ را در جامعه تشویق می‌کنند و جزء  
رزومه و سابقه کاری‌اش می‌شود. الآن در جامعه  
محترم و معتبر است. مثلاً اگر در انتخابات بخواهد  
شرکت کند می‌پرسند چه کار کرده‌ای؟ می‌گوید  
کسی هستم که حمله کردم به خانه فاطمه، من  
بودم که دست فاطمه را از دامان علی کوتاه کردم.  
این جامعه معیوب و فاسد است. این از فساد  
ظاهری بدتر است. این فساد فکری و فرهنگی

---

السَّلَامُ: مَا تَرَى عُمَرَ مَنَعَهُ مِنْ أَنْ يَغْرِمَ قُنْفُذًا كَمَا غَرَّمَ جَمِيعَ عُمَّالِهِ؟ فَنَظَرَ  
عَلَى عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى مَنْ حَوْلَهُ، ثُمَّ اغْرُورَقَتْ عَيْنَاهُ، ثُمَّ قَالَ: شَكَرَ لَهُ ضَرْبَةً  
ضَرَبَهَا فَاطِمَةٌ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِالسَّوِطِ فَمَاتَتْ وَ فِي عَضِدِهَا أَثَرُهُ كَأَنَّهُ  
الدُّمْلُجُ... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۳۰۳).



است. حالا قضیه ضربه را هم عرض کنم و روضه من تمام.

ضربه قنقد کدام ضربه بود. فاطمه زهرا بین در و دیوار است که نمی‌خواهم شرح بدهم با چه وضعی بود. با آن حالی که بچه بین در و دیوار سقط شده است. می‌دانید زن چه حالی دارد وقتی یک بچه شش ماهه‌اش سقط می‌شود. در این حال نیاز به مداوا دارد، نیاز به بستری دارد، درد فاطمه این است که بین در و دیوار خودش را کشید روی زمین با آن وضعیت خیزان خودش را کشید به سمت امیرالمؤمنین، علی را دارند در کوچه می‌برند. دست انداخت به کمر بند امیرالمؤمنین و فرمود نمی‌گذارم علی را برای بیعت به مسجد ببرید.<sup>۲۸</sup> برای توجیه کارشان

---

۲۸. وَ اَشْتَدَّ بِهَا الْمَخَاضُ وَ دَخَلَتِ الْبَيْتَ فَاسْقَطَتْ سِقْطًا سَمَّاهُ عَلِيٌّ مُحَسِّنًا، وَ جَمَعَتْ جَمْعًا كَثِيرًا، لَا مُكَاتَرَةَ لِعَلِيٍّ وَ لَكِنْ لِيُشَدَّ بِهِمْ قَلْبِي وَ جِئْتُ - وَ هُوَ مُحَاصِرٌ - فَاسْتَخْرَجْتُهُ مِنْ دَارِهِ مُكْرَهًا مَغْضُوبًا وَ سُقْتُهُ إِلَى التَّبِيعَةِ



می‌خواستند علی را ببرند و بگویند علی هم با ماست، علی هم ما را تأیید می‌کند. این به آن دیگری نگاه کرد و گفت چه کنیم، گفت غلاف شمشیر را بیرون بیاور. امام صادق فرمود قنغد ضربه‌ای به بازوی مادر ما فاطمه زهرا زد که بازوی او جوری ورم کرد «كَانَهُ الدَّمْلُجُ». دملج به بازوبندهای برجسته می‌گویند. بازوبندهایی که گاهی اوقات به پهلوان‌ها می‌دهند. بازوی مادر طوری ورم کرد که انگار بازوبند بزرگ به این بازو بسته بودند.

در روایت دیگری فرمود «كَانَ سَبَبُ وَفَاتِهَا»<sup>۲۹</sup>، با همین ضربه بود که فاطمه از دنیا

---

سَوْقًا، وَ إِنِّي لَأَعْلَمُ عِلْمًا يَبِينُ لَا شَكَّ فِيهِ لَوْ اجْتَهَدْتُ أَنَا وَ جَمِيعٌ مَّنْ عَلَى الْأَرْضِ جَمِيعًا عَلَى قَهْرِهِ مَا قَهْرَنَاهُ... (مجلسی، بحار الأنوار، ج ۳۰، ص ۲۹۵).  
۲۹. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ)، قَالَ: وَلَدْتُ فَاطِمَةَ (عَلَيْهَا السَّلَامُ) فِي جُمَادَى الْأَجْرَةِ، يَوْمَ الْعِشْرِينَ مِنْهُ، سَنَةَ خَمْسٍ وَ أَرْبَعِينَ مِنْ مَوْلِدِ النَّبِيِّ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ). وَ أَقَامَتْ بِمَكَّةَ ثَمَانَ سِنِينَ، وَ بِالْمَدِينَةِ عَشْرَ سِنِينَ، وَ بَعْدَ وَفَاةِ أَبِيهَا خَمْسَةَ وَ سَبْعِينَ يَوْمًا. وَ قُبِضَتْ فِي جُمَادَى





رفت؛ یعنی ضربه‌ای که بین در و دیوار بود، آن سقط جنین و آن شکستن پهلو، همه دردها یک طرف و آن که از همه دردها کاری‌تر بود و آسیب‌ش بیشتر بود این ضربه‌ای بود که به بازوی فاطمه وارد شد.

الا لعنت الله على القوم الظالمين.

وسيعلم الذين ظلموا أي منقلب ينقلبون.

---

الْآخِرَةَ يَوْمَ الثَّلَاثِ لِثَلَاثِ خَلْوَنَ مِنْهُ، سَنَةَ إِحْدَى عَشْرَةَ مِنَ الْهِجْرَةِ. وَ كَانَ سَبَبَ وَفَاتِهَا أَنَّ قُنُوداً مَوْلَى عُمَرَ لَكَزَّهَا بِنَعْلِ السَّيْفِ بِأَمْرِهِ، فَأَسْقَطَتْ مُحَسَّناً وَ مَرِضَتْ مِنْ ذَلِكَ مَرِضاً شَدِيداً، وَ لَمْ تَدْعُ أَحَداً مِمَّنْ آذَاهَا يَدْخُلُ عَلَيْهَا. (طبری آملی، دلائل الإمامة، ص ۱۳۵).